

پیش درآمد

# تاریخ و آیین بیزن تلیانی



بیزن تلیانی

یلدا در لغت سریانی است به معنی میلاد عربی و چون شب یلدا را با میلاد مسیح تطبیق می کرده‌اند، از این رو، بدین نام نامیده‌اند. باید توجه داشت که جشن میلاد مسیح که در ۲۵ دسامبر تثبیت شده، طبق تحقیق، در اصل جشن ظهور میترا بوده که مسیحیان در سده چهاردهم میلادی آن را روز تولد عیسی قرار دادند. یلدا اول زمستان و آخر پاییز است که درازترین شب‌های سال است و در آن شب، یا نزدیک بدان، آفتاب به برج جدی تحویل می‌کند و قدما آن را سخت شوم و نامبارک می‌انگاشتند. در بیشتر نقاط ایران در این شب مراسمی انجام می‌شود. شاعران، زلف یار و همچنین روز هجران را از حیث سیاهی و درازی بدان تشبیه کنند. یلدا برابر با شب اول جدی و شب هفتم دی ماه جلالی و شب بیست و یکم دسامبر فرانسوی است.

پیدایش و پیشینه تاریخی: پیش از دوران تاریخی اقوام آریایی و پس از روزگاران کوچ به این سرزمین، آنگاه و آنجا که: ده ماه زمستان بود و ده ماه تابستان و گاه پنج ماه زمستان، زمستان‌ها سرد و یخ بندان، آب‌ها سرد، زمین‌ها سرد، گیاهان سرد و سراسر سیلاب و یخ و آریایی همواره از تیرگی و تاریکی و پدیده‌های اهریمنی خزانده و گزنده و درنده که در تاریکی پدیدار می‌شد می‌هراسید و لحظه شمار روشنایی و روز بود. در گذر این تجربه‌ها درازترین شب زمستان را به درستی شناخته بود و می‌دانست که در پی آن شب، شب‌ها رو به کوتاهی می‌رود و روزها به درازا می‌کشد و این مایه شادمانی او می‌شد و آن شب بلند را جشن می‌گرفت و تا پگاه بیدار بود. پیروان آیین باستان نیز معتقدند که ... در شب‌های دراز زمستان، دور آتش گرد می‌آمدند

افزون سازند و چون درازترین شب سال یعنی آخرین شب  
از ماه آذر فرا می‌رسید به انگیزه این که از فردای آن شب،

روشنایی بیشتر خواهد شد و روزها درازتر  
خواهد بود شادی می‌کردند. در باورهای

آیینی باستان، یلدا، شب زاد و زایش  
مهر است، بنابراین ریشه و پیشینه این

باور به دیرینه‌ترین روزگار  
آیینی ایران باستان در آن سوی

هزاره‌ها می‌رسد یعنی به ایزد  
مهر و آیین مهر یا روزگار

برخی گویند واژه سریانی یلدا که به  
معنای زاد و زایش است یا مسیحیان سریانی به سرزمین‌های آریایی آمد و از آن روزگار

تا کنون این واژه در ایران مانده است.

چرا که مهرپرستی از ایران به اروپا راه یافت و بر همه جا چیره شد. رومیان واژه نوئل را  
برای زادروز داشتند و زاد روز مهر را جشن می‌گرفتند. پس از چیرگی مسیحیت بر اروپا،

یلدا را با نوئل تطبیق دادند. برخی فرهنگ نویسان پنداشته‌اند که یلدا نام یکی از ملازمان  
عیسی (ع) بوده است ولی چنین نامی در زمره ملازمان او در مآخذی دیده نشده...

در ادبیات تاریخی ایران، یلدا به معنای میلاد عربی نیز گرفته شده است: چون شب یلدا  
را با میلاد مسیح تطبیق کرده‌اند. از این رو به این نام نامیده‌اند، باید توجه داشت که جشن

میلاد مسیح، نوئل که در بیست و پنج دسامبر تثبیت شده، طبق تحقیق محققان، در اصل  
جشن ظهور میترا یا مهر بوده که مسیحیان در قرن چهارم میلادی آن را روز تولد عیسی (ع)

قرار دادند. یلدا اول زمستان و شب آخر پاییز است که درازترین شب‌های سال است  
و در آن شب یا نزدیک به آن آفتاب به برج جدی تحویل می‌کند و قداما آن را سخت

شوم و نامبارک می‌انگاشتند، در بیشتر نقاط ایران در این شب مراسمی انجام می‌شود.  
برخی مهر را خورشید پنداشته‌اند و مهرپرستی را خورشید پرستی دانسته‌اند. در اوستا مهر

به معنای فروغ روشنایی است در گائاهای اوستا به معنای وظیفه و تکلیف آمده، در زبان  
فارسی معانی بسیاری دارد؛ عهد و پیمان، مهر و محبت، خورشید، نام اشخاص و اماکن،

اشیا مانند: مهرداد، آتشکده مهر، ماه هفتم هر سال، مهر ماه، روز شانزدهم هر ماه، مهر  
روز، جشن مهرگان و .... مهر کهن‌ترین باور آریایی است، چرا که آریایی از همان آغاز

پیدایش از تاریکی نگران و هراسان بود و سخت می‌ترسید، چرا که دیوها و ددها همه از  
تاریکی سر بر می‌آوردند و در تاریکی می‌آمدند و در اندیشه گرفتن جان و خاتمان آریایی

بودند... در آن شب‌های تاریک و بلند و پر بیم و هراس، آریایی همواره چشم به افق

داشت تا نخستین فروغ روشنایی سر بر آورد و سپیدان در آن روز  
 و دیو و دد ناپدید شود. در آن زمستان‌های بلند زمین ماسه و لای غلیظه آریایی  
 خورشید را نمی‌دید، اما فروغ روشنایی همواره در هر  
 بامداد حضور می‌یافت. مهریشت در اوستا که در  
 بردارنده میراث کهن آریایی است، آشکارا به این  
 واقعیت اشاره کرده است که: مهرا آن فروغ روشنایی که پیش از  
 خورشید از بالای کوه سر بر آورد و منزلگاه‌های آریایی را بتگرده...

بنابراین در اوستا، مهر، خورشید نیست بلکه فروغ روشنایی است  
 آریاییان خورشید را مولود مهر می‌دانستند. در ادبیات و کلامی  
 آریاییان بر همایی هند نیز مهر پروردگار فروغ  
 روشنایی است. مهر تا آن سوی مرزهای  
 آریایی نفوذ کرد و یونان و روم و اروپا را  
 در بر گرفت.

در دوران تاریخی آریایی که از مادها آغاز  
 می‌شود و گویا پیش از آن، سال در تقویم آریایی  
 دو نیمه داشت، نیمه نخست با تابستان آغاز می‌شد و ماه و فصل نداشت.  
 آغاز سال، شب اول تابستان یا کوتاهترین شب سال بود، نیمه دوم سال از  
 شب اول زمستان یا بلندترین شب سال آغاز می‌گشت. به این  
 واقعیت دروندیداد اشاره است که در آغاز این بخش گذشت.  
 گویا هخامنشیان پس از کوچ به سرزمین‌های سرد،  
 سال را با زمستان آغاز می‌کرده‌اند و پس از  
 کوچ به سرزمین‌های گرم، سال را با زمستان  
 آغاز می‌کرده‌اند. در اسناد موجود  
 از روزگار هخامنشی به  
 این واقعیت تصریح شده است.  
 برخی خاورشناسان بر این باورند

که اقوام آریایی پیش از ورود به این سرزمین، چنین سالی داشته‌اند و به اوستا استناد  
 می‌کنند. در هر صورت اقوام آریایی که همواره از تاریکی هراس داشتند، بلندترین و  
 سردترین و تیره‌ترین شب سال را جشن می‌گرفتند. آتش می‌افروختند و گردهم می‌آمدند  
 و سفره می‌گسترده و میوه‌های تازه و خشک می‌آوردند. بی‌گمان این سفره رنگ و بوی  
 دینی و آیینی داشت. بسیار گرمی و مقدس بود. از ایزد مهر و فروغ روشنایی و خورشید،  
 برکت می‌خواستند تا زمستان را به خوشی سپری نمایند.



سفره شب یلدا در دوران آیینی سفره متمیز شد و آن سفره ای است که در مراسم آیینی می‌اندازند و در آن میوه و آجیل یا به تعبیر زرتشتیان لرک ریزند و در بزرگ‌داشت اورمزد و مهر و خورشید و ... جشن بگیرند. بدین سان درگاه شماری ایرانی، اول دی ماه چون تجدید حیات مهر است و واژه سریانی آن یلدا مشهور شد. همه این اشارات و نام‌ها، حاکی از آن است که شب یلدا و روز دیگان پیوند استواری با خورشید دارد، با مهر که از این روز بر تاریکی چیره می‌شود و رو به افزایش می‌رود، این روز خورشید است، روز مهر است و نزد ایرانیان، به ویژه مهر آیین‌ها بسی گرامی بود. بزرگترین جشن، یعنی جشن تولد مهر یا خورشید به شمار می‌رفت که آغاز سال محسوب می‌شد. چنانکه ملاحظه می‌شود،

این مراسم پس از هزاران سال تا کنون باقی و برجاست و در سراسر ایران زمین به نام شب چله برگزار می‌شود. اما امروزه چرا چله - چله بزرگ می‌نامند. چله بزرگ از اول دی ماه است تا دهم بهمن ماه که چهل روز تمام ادامه می‌یابد. چله کوچک از دهم بهمن است تا بیستم اسفند و از آن جهت چله کوچک می‌گویند که از شدت سرما می‌کاهد. انگیزه‌های پایدار ماندن این جشن را می‌توان بدین گونه بر شمرد: ۱- شب زایش خورشید "مهر" است، از باورهای دینی کهن.

۲- بلندترین شب سال، یعنی طولانی‌ترین است، نشانه اهریمنی شی شیوم و ناخوشایند که از فردا به کوتاهی می‌گراید. ۳- پایان برداشت محصول صیفی و آغاز فصل استراحت در جامعه کشاورزی است. همه قشرها و گروه‌هایی که از فرآورده‌های کشاورزی و تلاش کشاورزان بهره‌مندند، در جشن نخستین روز دی ماه و برداشت محصول، در شگون و شادی کشاورزان شرکت می‌کنند و ... در این روز پادشاه با دهقانان و برزگران مجالست می‌کرد و در یک سفره با ایشان غذا می‌خورد و می‌گفت: (... قوام دنیا به کارهایی است که به دست شما می‌شود. آیین و جشن شب یلدا یا شب چله بزرگ، تا به امروز در تمامی سرزمین کهنسال ایران و در بین همه قشرها و خانواده‌ها برگزار می‌شود. یلدا را همچنین می‌توان جشن و گردهمایی خانوادگی دانست. در شب یلدا خویشاوندان نزدیک در خانه بزرگ خانواده گرد می‌آیند. به بیانی دیگر، در سرمای آغازین زمستان، دور کرسی

نشستن و تا نیمه شب میوه و آجیل و غذا خوردن و فال حافظ گرفتن از ویژگی های شب یلدا است که به آن گزومای زندگی می دهند.

بیون تلیاتی

منابع:

۱- گاه شماری و جشن های ایران باستان / نوشته و پژوهش: هاشم رضی

۲- جشن ها و آیین های ایرانی / ابو عثمان جاحظ

۳- آیین ها و جشن های کهن در ایران امروز /

محمود روح الامیتی

# یلدا

ترانه شب یلدا

بازم از راه شب یلدا  
رسیده با برف و سرما  
دلایم گرم امید  
وقتی دور همیم این جا  
گل می گیم و گل می شنویم ما  
دور می شه غصه ز قلبا  
همه از فریادها می گن  
از خوشی، رویاها می گن  
آخ شب یلدا چه خوبه  
وقتی غم فکر غم غم  
فریاد خورشید گرم و روشن  
باز می تابه تو دل من  
وقتی من ما میشه آره  
یلدایم مثل بهاره  
اومده بازم زمستون  
همه جا برفه و بارون  
یلدا باز از راه رسیده  
دلایم غرق امید  
جمعمون جمع دوباره  
یلدا باز مهمونی داره

محمد عزیزنی

